

زندگی و زمانه میرزا کوچک جنگلی

در آینه یک پژوهش

به مثابه بازوی اجرایی هیئت اتحاد اسلام

■ شاهد توحیدی

اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، تلاش دارد تا زندگی و زمانه، زنده یاد میرزا کوچک خان جنگلی را مورد بازخوانی قرار دهد. این پژوهش از سوی میثم عبداللهی انجام شده و نشر بلور شهر رشت نیز آن را روانه بازار کتاب کرده است. مؤلف در دیباچه خود بر این کتاب، نکات ذیل را از نظر دور نداشته است:

«نهضت جنگل از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نهضت‌های تاریخ معاصر است که بعد از مشروطه تا دوران دیکتاتوری رضاخان در کشور رخ داد. این نهضت از سوی میرزا کوچک جنگلی و عده‌ای از علمای رشت، در آغاز جنگ جهانی اول و برای پایان دادن به اشغال ایران رقم خورد. در آغاز جنگ، سرویس جاسوسی نیروی نظامی اِترراهایی بودند که جهت تأمین منافع بریتانیا در جنگ اول فعال شدند و هر روز توطئه‌ای طرح‌حسی می کردند و برای الحاق نقطه جدیدی از دنیا به مستعمرات دیگرشان، نقشه می کشیدند. در چنین شرایط بین‌المللی و داخلی، نهضت جنگل حدود هفت‌سال برپا بود و به پیروزی‌های چشمگیری در مقابله با استعمار و بیرون کردن قوای متجاوز روسیه تزاری، انگلیس و عواملشان از گیلان و مناطق همسایه آن رسید و توانست دو ابر قدرت روس و انگلیس را، در این منطقه به زانو در آورد. میرزا، با درک موقعیت استثنایی جنگ جهانی اول و ضعف ملت ایران، قائل بود که باید تلاش کنیم، تا خودمان را از زیر بار استعمار و انحطاط نجات دهیم و آنها را از سرزمین‌مان بیرون کنیم. او خطاب به قوای نهضت جنگل در آغازین روزها و درباره انگیزه تأسیس آن،



زنده‌یاد میرزا کوچک خان جنگلی در دوران طلبگی

چنین می‌گوید: روای ظالم هر روز به رنگی مظاهر و هر وقت به شکلی، دامنۀ تعديت خود را توسعه داده و تشبه به ریشه عالم شريت می‌زند گاهی با حربه دین، جنگ طلبی را ایجاد و رشته اتحاد عالم اسلامیت را پاره می‌کند. زمانی به نام حفظ منافع، نزاع در میان مردم افکنده و با کمند تزویر، آنها را صید و طوق رقیب به گردن آنان می‌اندازد. ایران که یک روز مهد تمدن و آرامگاه دلیران بود، در اثر سیاست بدوزخچیان حریص، مرکز مشی اشخاص بدون اراده و پابند به موهومات و خرافات گردید. رجال کشور، امرای لشکر، پیشوایان ملت، تابع اراده اجاب هستند. وزرا و نمایندگان ملت از اشخاصی که به مزدوری بیگانگان افتخار داشته و بارها امتحان داده‌اند، انتخاب می‌شوند. همای سعادت از این کشور پرواز کرده و جای خود را به بوم‌های چنـد – که در این ویرانه آشیانه نهاده‌اند– بر گزار نموده است...

نهضت جنگل، حرکتی کاملاً دینی بود و خود میرزا کوچک نیز به عنوان یک روحانی، اقداماتش را مبتنی بر آموزه‌های شیعی بنیان نهاد و بزرگ‌ترین مجتهدین و علمای مجاهد گیلان، از جمله آیت، سیدمحمود روحلی رشتی، میرزا محمدرضا حکیمی، شیخ علی علم‌الهدی، سیدعبد‌الوهاب صالح ضیایی، شیخ بهاء‌الدین املشی، میر منصور هدی، میرزا محمدی اشایی و... رؤسای نهضت و اعضای هیئت اتحاد اسلام را تشکیل می‌دادند. میرزا کوچک، بازوی اجرایی این شورا بود. سخنان و اقدامات میرزا کوچک از آغاز تا پایان، بر گرفته از آموزه‌های دینی بود و او هرگز از این جهت تخطی نکرد. به همین خاطر بود، که اقدامات او در نهضت، از سوی مجتهد برجسته‌ای چون شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس تأیید شد. پایان نهضت جنگل، با شروع سلطه انگلیس بر کشور ایران و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، ش صافد است. مهم‌ترین مانع در برابر منافع استعماری انگلستان در ایران، نهضت جنگل بود که رضاخان پیش از هر چیزی تصمیم داشت تا آن را سر راه بردارد...».

■ پروین قائمی

عادت‌ی نیک است که در سالروز ولادت نام آوران نیز یاد و خاطره‌شان را بزرگ بداریم. هم از این روی و به مناسبت سالروز ولادت روانشاد میرزا کوچک خان جنگلی، به بازخوانی شخصی‌ترین فرازهای کارنامه سیاسی وی پرداخته شده است. امید آنکه پژوهندگان تاریخ معاصر و عموم علاقمندان را، مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ در نشو و نماي «یونس استادسرایي»

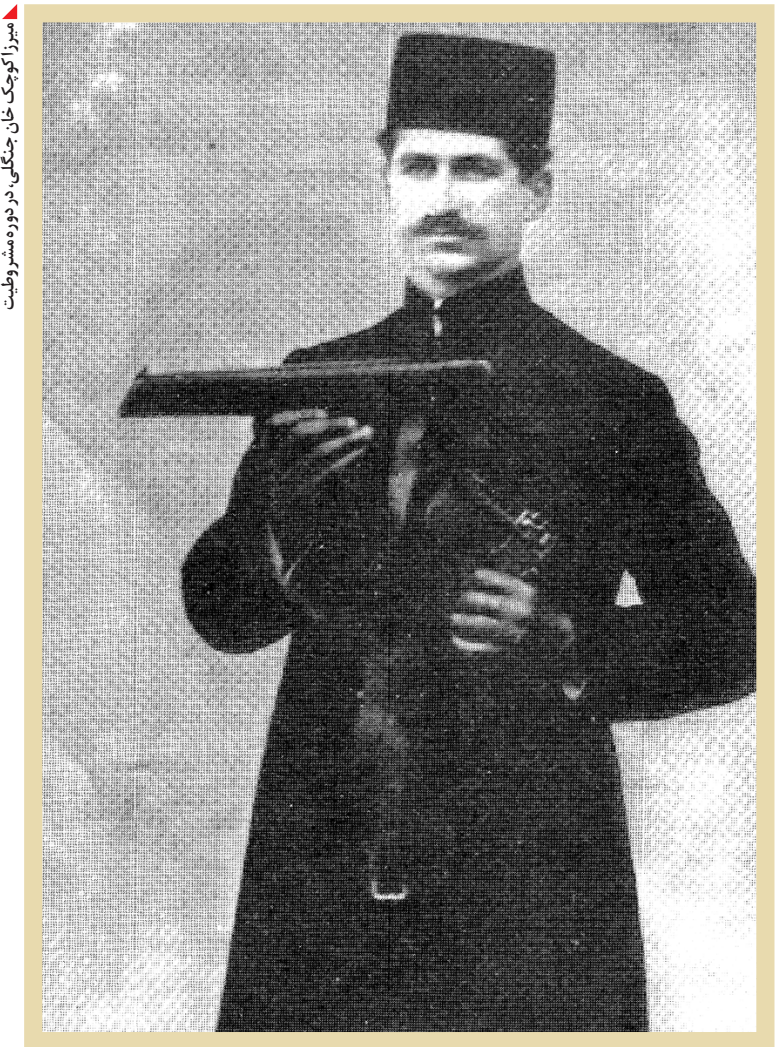
«یونس استادسرایي» مشهور به میرزا کوچک‌خان جنگلی، در سال ۱۲۵۷ ه. ش در یکی از روستاهای فومن به دنیا آمد. پس از طی دوره مقدماتی علوم اسلامی، به تهران آمد و در مدرسه مسجد محمودیه به تحصیلاتش ادامه داد. اولین تجربه سیاسی او عضویت در کمیته «ستار» بود که برای مبارزه با استبداد و حمایت از مشروطه‌خواهی در رشت راه‌اندازی شد. میرزا پس از مدتی، فرمانده یکی از دسته‌های مسلح این کمیته شد. او در هنگام فتح تهران همراه با عده‌ای از افراد مسلح از رشت به سمت قزوین حرکت کرد، اما با مشاهده رفتار بعضی از فرماندهان مجاهدین با مردم به رشت بازگشت. در نبرد با محمدعلی‌شاه در تیر ۱۲۹۰ ه. ش – که با پشتیبانی نیروی دریایی روسیه از او صورت گرفت– حدود ۷۰ نفر از مجاهدین کشته و زخمی شدند که میرزا جزو زخمی‌ها بود. میرزا در ۱۲۹۱ ه. ش به دستور سفیر روس، به اتهام شورش در رشت، همراه با عده‌ای به تهران تبعید شد. او در تهران با سران «اتحاد اسلام» که تنها راه نجات کشور را نبرد مسلحانه می‌دانستند، ارتباط پیدا کرد و با همین نحوه اشغالگران روسی، نهضت جنگل را بنا نهاد. این نهضت طی هفت‌سال، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر نهاد و نهایتاً نیز از سوی قوای دولت مرکزی شکست خورد، اما آثار و نتایج سیاسی آن در تاریخ معاصر ایران بر جای ماند.

میرزا کوچک خان جنگلی

به باور میرزا مردم ایران هرگز زیر بار مرام اشتراکی نخواهند رفت، این امر در نامه تاریخی وی به لنین چنین انعکاس یافته است: «پروپاگاندا‌های اشتراکی (تبلیغات کمونیستی) در ایران تأثیرات سوء می‌بخشد، زیرا پروپاگانداچی‌ها از شناسایی تمایلات ملت ایران عاجزند. من به نمایندگان شما در موقعش گفتم، ملت ایران حاضر نیست برنامه و روش بالشویزم را قبول کند، زیرا این کار عملی نیست و ملت را به طرف دشمن سوق می‌دهد...»

تاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۰۸۵۲۳۰



میرزا کوچک خان جنگلی، در دوره مشروطیت

درنگی در چند فراز از حیات سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی در سالروز ولادتش

نهضت جنگل به رهبری کوچک‌خان جنگلی، هر گونه دخالت اجانب در امور داخلی ایران را مردود می‌دانست و از استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع می‌نمود. در محور نهضت جنگل، دین اسلام و مذهب شیعه به‌عنوان مهم‌ترین رکن استقلال و استقرار و جدت بود. بنابراین مؤلفه‌های اصلی تفکر میرزا آن سردار دلیر را، می‌توان اینگونه خلاصه کرد: وطن پرستی، تمامیت ارضی، استقلال ایران، منافع ملی و پاسداری از هویت دینی و اسلامی

که به هیچ وجه با کمونیسم سازگار نبود. در یکی از شمارگان روزنامه جنگل، به‌صراحت بیان شده بود: «دیانت حق محمدیه(ص) را باید از تعرض انگلیس و هم‌قطارانش محفوظ نگه داشت...». با این همه برخی همکاری کوتاه‌مدت میرزا با حزب کمونیستی «عدالت» را – که بعدها به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد– دلیل تمایل وی به کمونیسم تلقی کرده‌اند، در حالی که طبق بسیاری از اسناد متقن، او از سر ناچاری با فرمانده نیروهای شوروی وارد مذاکره شد. یکی از شروط اصلی میرزا برای همکاری با بلشویک‌ها این بود که آنان در مسائل داخلی نهضت جنگل مداخله نکنند و البته به هیچ روی به تبلیغ کمونیسم نپردازند. طبیعتاً پرهیز از ترویج مرام کمونیستی آن نیز از منظر یک کمونیست، خیانت به آرمان‌های این مکتب تلقی می‌شود، اما این شرط اصلی میرزا برای همکاری با حزب «عدالت» بود. هم از این روی چون حزب «عدالت» این توافق را رعایت نکرد و ضمن تبلیغ کمونیسم به مخالفت با مذهب نیز پرداخت، میرزا بی‌درنگ سازمان‌های کمونیستی در رشت و انزلی را در هم کوید و در برابر پیشنهاد کمونیست‌ها برای رفع حجاب زنان، به هیچ‌وجه زیر بار نرفت! میرزا به تقدس احکام اسلامی به‌ویژه در وجه سیاسی آن و مالکیت خصوصی پایبند بود، وی در پاسخ به پیام وثوق‌الدوله – که سعی کرد با تطمیع و تهدید او را تسلیم کند– گفت: «در قانون اسلام مدون است که وقتی کفار بر ممالک اسلامی مسلط می‌شوند، مسلمان باید به مدافعه برخیزند...». هم او پس از ورود به رشت و قیل از تأسیس جمهوری، در تطقی بر وجه اسلامی بودن مبارزات خود و نهضت جنگل تأکید کرد: «تبلیغات صادقانه و نجیب مردم و احترام به عقاید و عادات ملی و مملکتی، مؤثرتر از صدها هزار قشون و آلات ناریه است...». رهبر نهضت جنگل به نیکی می‌دانست: ایرانی‌ها که همیشه مذهبی‌اند، زیر بار هیچ گونه مرام افراطی و خشن و تند نمی‌روند...». به باور میرزا مردم ایران هرگز زیر بار مرام اشتراکی نخواهند رفت، این امر در نامه تاریخی وی به لنین چنین انعکاس یافته است: «پروپاگاندا‌های اشتراکی [=تبلیغات کمونیستی] در ایران تأثیرات سوء می‌بخشد، زیرا پروپاگانداچی‌ها از شناسایی تمایلات ملت ایران عاجزند. من به نمایندگان شما در موقعش گفتم که ملت ایران حاضر نیست برنامه و روش بالشویزم را قبول کند، زیرا این کار عملی نیست و ملت را به طرف دشمن سوق می‌دهد...». و بار دیگر تأکید می‌کند: «فرا دادمان با نمایندگان روسیه این بود، که مسلک اشتراکی بین اهالی پروپاگاندا نشود...».

■ **اتهام تجزیه‌طلبی در سنجه ارزیابی**

دولت‌های استعماری به‌ویژه انگلیس و روسیه، همواره در طول تاریخ به فکر جدا کردن بخش‌های ایران بوده و متأسفانه در مقاطعی، توفیق نیز یافته‌اند. حاکمیت‌ها و دولت‌های ایران – صرف نظر از هشت سال دفاع مقدس که حتی یک وجب خاک ایران نیز از دست نرفت– در بری جنگ‌های طولانی و به سان برخی مقاطع دوره قاجاریه و گاهی نیز بدون جنگ و بر اساس جنایت آشکار پهلوی‌ها، سرزمین‌های زیادی را در شرق، غرب و شمال کشور از دست دادند در مورد نهضت جنگل نیز همواره حزب کمونیست روسیه، نگاه استعماری خود را القا می‌کرد. در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۹، این حزب در خطابی به میرزا کوچک‌خان، او را سردمدار مبارزه با انگلیس معرفی می‌کند و از جمهوری مستقل جنگل تجلیل به عمل می‌آورد و می‌کند! این جریان چندی بعد و با اعمال قدرت، پیشگیری را در آذربایجان با هدف تجزیه این منطقه و خودمختاری در تبریز می‌گمارد

با تمام این دسیسه‌ها، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مبارزاتی میرزا، حفظ تمامیت ارضی ایران است، روزنامه جنگل در ۷ فروردین ۱۲۹۷ ه. ش، در مقاله‌ای با عنوان «ما چه می‌گوییم؟»، اهداف مبارزاتی جنگلی‌ها را اینگونه توصیف می‌کند: «ما قبل از هر چیز، طرفدار استقلال مملکت ایرانیم، استقلال به تمام معنای کلمه، یعنی بدون اندک دخالت و نظریاتی از هیچ دولت اجنبی و از این نقطه نظر تمام دول اجانب، چه همجوار و چه غیر همجوار، یکسان است. با هیچ‌کس، نظر دوستی و دشمنی نداریم؛ ما دوست ایرانی هستیم و با دشمن این آب و خاک، با تمام خصومت دشمن...». در ادامه همین یادداشت تأکید شده است: «به حکم اینکه ما ایرانی هستیم... حفظ خط ایران و استقلال و وطن مقدس ایرانمان، به نظر ما بر سر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است و بعد از موفقیت به انجام وظایف ایرانیّت، البته برادران اسلامی مادامی که به وظایف اخوت خود عمل کنند، بر دیگران مقدم خواهند بودند...». همچنین در شماره ۱۳ نشریه جنگل آمده است: «جنگلی‌ها می‌گویند، ایران مال ایرانی است. دست‌اغیار باید از استیلاي این مملکت به کلی قطع شود... قیام جنگلی‌ها، مسلح شدن جنگلی‌ها، فدائری جنگلی‌ها، فقط برای تقویت دولت و حفظ مملکت است...». میرزا در نامه‌ای به سفیر شوروی در تهران تأکید می‌ورزد: «این نکته را لازم به تذکر می‌دام که مقصود من و یارانم، حفظ استقلال مملکت، اصلاح و تقویت مرکز است. تجزیه گیلان را که مقدمه ملوک‌الطوایفی است، همچنین ضعف کشور را، خیانت صریح دانسته و می‌دانم...». و نیز اصرار دارد: «من و یارانم در مشقت‌های فوق‌الطافه چندین ساله، هیچ مقصودی نداشته و نداریم جز حفظ ایران از تعرضات خارجی و فشار خائنین داخلی، تأمین آزادی رنجبران ستمدید مملکت و استقلال حکومت ملی... انقلاب، یگانه راه علاج و

اعضای آن با سرویس امنیتی انگلستان رابطه داشتند. این دو نفر پس از شکست نهضت به شوروی فرار کردند، اما چندی بعد در آنجا به جرم جاسوسی برای بریتانیا دستگیر و اعدام شدند! از دیگر اعضای بهایی نهضت جنگل می‌توان از میرزا شفیع‌خان نعیم نام برد که در انزلی به دست جنگلی‌ها کشته شد و دیگر غلامحسین ابتهاج که از سوی جنگلی‌ها دستگیر، اما با وساطت احسان‌الله‌خان و میرزا رضاخان افشار آزاد شد.

■ **کوچک‌خان و نسبت او با کمونیسم ونظهور** برخی معتقدند، میرزا کوچک‌خان جنگلی تحت تأثیر روح کمونیسم در کشور شمالی ایران قیام کرد، تابخشی از خاک ایران را از کشور جدا کند. این عده پای را از این نیز فراتر می‌نهند و در اعتقادات میرزا، دنبال رگه‌های کمونیسم می‌گردند و اظهار می‌دارند که او قصد داشت با حمایت‌مالی و نظامی شوروی، گیلان را از ایران جدا کند! با این همه حقیقت از منظر تاریخ پژوهان می‌طرف اما آگاه، پنهان نمانده است. ژانت آفری می‌نویسد: «میرزا کوچک‌خان، نه ملی‌گرای خام بود و نه منتصب مذهبی، بلکه آنالابگیر و سیاست‌مداری بود که برای استقلال گیلان از قدرت‌های امپریالیستی، به هر قیمت ممکن می‌جنگید. هدف نهضت او استقرار حکومت جدیدی در گیلان، بر اساس اینار مذهبی، تعهد ملی و نهایتاً نامه ملایم سوسیالیستی بود...».

شبیهای که در باره نهضت جنگل مطرح می‌شوند، عمدتاً درباره دو موضوع هستند: عقاید شخصی میرزا و اهداف نهضت جنگل. با بررسی اسناد تاریخی می‌توان به‌وضوح دریافت یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های نهضت جنگل، اسلامی بودن آن است. میرزا یک مذهبی تمام عیار بود که هرگز و اجابتش ترک نمی‌شد و در نماز و روزه قصور نمی‌کرد و همواره آیات قرآن را زیر لب زمزمه می‌نمود. حمایت علمای اسلام از جنبش جنگل نیز دلیل دیگری بر اسلامی بودن ماهیت این نهضت به شمار می‌رود. مرکز نقل و مغز متفکر نهضت جنگل را «هیئت اتحاد اسلام» تشکیل می‌داد که اکثر اعضای آن علما و روحانیون بودند. میرزا افکاری مذهبی داشت



قتل میرزا نادر آفری، میرزا کوچک خان جنگلی در حاشیه نقشه‌نبرد در روز مبارزه با هیئت روسی

روزنامه جوان | شماره ۲۱۴۳

نجات قطعی ملت از مشکلات موجوده است...».
■ **اهتمام میرزا به حفظ تمامیت ارضی ایران، در آینه شهادت تاریخ نگاران**
شایان ذکر است، حتی کسانی هم که با آرا و نظریات میرزا موافق نبودند، به این نکته اشاره کرده‌اند که او خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران بود. یحیی دولت‌آبادی، در دفاع از میرزا می‌نویسد: «او دوستدار عالم اسلامیت و طرفدار استقلال و آزادی ایران و مخالف حکومت‌های استبدادی خودی و بیگانه بود...». عارف قزوینی نیز جنگلی‌ها را «میهن‌پرست» می‌دانست و در توصیف آنها نوشت: «یکی از تشکیلات به‌جا و به‌موقع که خدمات بسیار گران‌بهایی به آزادی و استقلال ایران کرد، همانا تشکیلات مقدس، سودمند و میهن‌پرستانه فدائیان جنگل تحت سرپرستی میهن‌دوست نامی، شادروان میرزا کوچک‌خان جنگلی است...». ابراهیم فخرایی – که خود در زمره جنگلیان قرار داشت– تأکید می‌کند: «میرزا و دیگر یارانش هیچ‌گاه به این مسئله اجدایی‌طلبی ا نمی‌اندیشیدند، زیرا معتقد بودند اعلام خودمختاری نوعی پراکندگی و تجزیه مملکت است...». همچنین شاپور روستائی نیز اصرار دارد: «میرزا و یارانش با هر نوع فکر تجزیه‌طلبی و جدایی از کشور مخالف بودند و هدف اصلی‌شان که بارها اعلام می‌شد، به دست آوردن استقلال و آزادی برای کل جامعه ایرانی بود، نه یک منطقه...». حتی ژنرال دسترویل فرمانده نیروهای مسلح انگلیس – که خاطر تلخی از مواجهه با میرزا کوچک‌خان و جنگلی‌ها داشت– در خاطر‌اتش نوشت: «به عقیده من میرزا کوچک‌خان از وطن‌پرستان حقیقی است که امثال او در ایران نادر و کمیاب هستند...». به نظر او یکی از اصول تغییرناپذیر فکری میرزا «ایران متعلق به ایرانیان است» بود و به همین دلیل هم در برابر زیاده‌خواهی اجاب ایستادگی کرد.

در اسفند ۱۲۹۸، آنگاه که درباره ماهیت نهضت جنگل از شهید آیت‌الله مدرس، سؤال کردند، در پاسخ نگاشت: «حقیر از آقای میرزا کوچک‌خان و از اشخاصی که صمیمانه و صادقانه با ایشان هم‌راز بودند، نیت سوئی نسبت به دیانت و صلاح مملکت نفهمیدم، بلکه جلوگیری از دخالت خارج و نفوذ سیاست آنها در گیلان، عملیاتی بوده بس مقدس که بر هر مسلمانی لازم است...». خداوند همه ایرانیان را توفیق دهد، نیت و عملیات آنها را تعقیب و تقلید نماید. بر واضح است، طرفیت و ضدیت و محاربه با همه‌چه جمعیتی، مساعدت با کفر و معاندت با اسلام است...». به این ترتیب این عالم مجاهد و مبارز بزرگ و نامدار، میرزا را از دو اتهام تعلقات کمونیستی و نیت تجزیه‌طلبانه میرا انشت و مهم‌تر از آن ضدیت با نهضت جنگل را، مساعدت با کفر و معاندت با اسلام دانسته است.

■ **و مردی که در ایران و برای ایران جان داد**

به سرانجام بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد، میرزا کوچک‌خان جنگلی، نه تنها قصدی برای تجزیه گیلان از ایران نداشت، بلکه خود میهن‌پر تین عامل بازدارنده در برابر این توطئه بود، به گفته روستائی، در مرداد ۱۲۹۹ ه. ش، زمانی که حزب کمونیست ایران کودتایی را طراحی کرد: «کودتاجیان علیه میرزا کوچک‌خان و نهضت جنگل به مبارزه پرداختند و قصدشان این بود که میرزا را یا کشته یا اسیر نمایند و در هر حال کاری کردند، میرزا از رهبری جنبش کنار زده شود. اما این امر به علت عقب‌نشینی میرزا به جنگل و جلوگیری از بروز تماس و تصادم جنگی، عملی نشد...». میرزا به درستی دریافت بود خیانت اعضای حزب کمونیست ایران، موجب نفق و انحراف در نهضت جنگل خواهد شد. از همین روی در نامه‌ای خطاب به سفیر وقت شوروی در تهران نوشت: «ادامه انقلاب برجسته‌ای، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را جریحه‌دار و آذربایجان با هدف تجزیه انگلیس در ایران را تقویت می‌کند و تفکر ملوک‌الطوایفی را، در تمامیت خاک ایران قوت می‌بخشد...».

جنگلی‌ها مانند سدی در برابر زیاده‌خواهی‌های اجانب، در شمال کشور عمل کردند. چنانکه فخرایی در این زمینه می‌نویسد: «در وطن پرستی جنگلیان همین بس که هر جای مصالح کشور به میان آمد، سرسختی خود را نشان می‌دادند، در مبارزه با قزاقان روس، در نبرد با قزاقان وثوق‌الدوله، در کشمکش با عشایر و ایالت، در پیکار با انگلیسی‌ها و سرخ‌های مصنوعی، ایمان جنگلی‌ها همچنان محفوظ و دست‌نخورده باقی ماند...». بنابراین دفاع از تمامیت ارضی ایران از مهم‌ترین اهداف سیاسی جنگل محسوب می‌شد که متأسفانه با نفوذ اعضای حزب کمونیست به درون نهضت آسیب دید. میرزا زمانی که متوجه خط انحرافی در نهضت شد، تمام قلمت از دو مؤلفه نهضت جنگلی، یعنی اسلام و استقلال کشور حمایت کرد. نهضت جنگل به رهبری آن سردار دلیر، هر گونه دخالت اجانب در امور داخلی ایران را مردود می‌دانست و از استقلال و تمامیت ارضی ایران دفاع می‌نمود. در محور نهضت جنگل، دین اسلام و مذهب شیعه به‌عنوان مهم‌ترین رکن استقلال و استقرار وحدت بود. بنابراین مؤلفه‌های اصلی تفکر میرزا کوچک‌خان جنگلی را، می‌توان اینگونه خلاصه کرد: وطن پرستی، تمامیت ارضی، استقلال ایران، منافع ملی و پاسداری از هویت دینی و اسلامی. هر چند میرزا در حوزه سیاسی ناچار شد برای مدتی با حزب «عدالت» و شوروی همکاری کند، اما اختلافات نظری، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی بین آنها، همواره همکاری سیاسی‌شان را متزلزل کرد. میرزا هرگز حاضر به سازش با اجانب و استبداد داخلی نشد و تن به دلت سرفرازانه در خاک میهن به شهادت رسید. او با این برگ پایانی حیات، اسلام‌خواهی و وطن‌خواهی خودی را بر همگان عیان ساخت و البته برای تاریخ به ودیعت نهاد.